



💖 وداع با عشق 💖

دیگر قلبم باور ندارد که عشقی در این زمانه وجود دارد! عشق در قلبم
مثل یک خواب و رویا شده استدیگر قلبی که یکرنگ ، یکدل و با وفا
باشد در این زمانه نیست! هر که آمد برای مدتی در قلبم ماند ، مرا سوزاند و
بعد ، از این قلب شکسته من سرد شد و رفت....دیگر عشق های این
زمانه مثل عشق قصه ها واقعی نیست! آنانکه ادعا می کردند عاشقند
قلبم را زیر پا له کردند ! او که ادعا می کرد مرا رها نمی کند ، مرا سوزاند
و در سرزمین تنهایی ها رهایم کرد! دیگر درهای قلبم برای همیشه به روی
عشق بسته خواهد شد! اگر معنای عشق دل شکستن است ، پس لعنت به
عشق !
اگر رسم عاشقی این است که قلب آنکه دوستش داری را بسوزانی و بعد از
مدتی
رهایش کنی پس لعنت به تو که مرا در این دنیای دروغین در به در کردی!
او که ادعا می کرد که تا آخرین لحظه نفسهایش همسفر من

است ، رفیق نیمه راه شد ، او که ادعا می کرد که در این دنیای بزرگ

تنها مرا دارد و با کسی نیست ، هم نفس غریبه ای دیگر شد ، او که ادعا

می کرد که مرا دوست دارد و دیوانه وار عاشق من است ، بی وفای بی وفا
شد!

بعد از اینکه قلم بارها عاشق شد و در قلب بی محبت دیگران اسیر

شد و برای مدتی در آن قلب های بی محبت سوخت و زیر پا له شد چگونه

می توانم عشق را دوباره بپذیرم؟

عاشقی از ما گذشت ، دیگر بس است هر چه ساختم و ویران شد!

دیگر بس است هر چه ماندم و آخر سر نیز مثل شمع سوختم و

خاموش شدم!

کسی دیگر لایق این قلب شکسته من نیست ، و دیگر حوصله ساختن

خانه عشق را ندارم چون می دانم روزی این خانه دوباره ویران می شود!

میخواهم در دریاها تنها سرنشین قایق زندگی باشم ، لحظه غروب

تنهای تنها نظاره گر غروب باشم ، در کنار دریا بی آنکه کسی در کنارم

باشد قدم بزنم ، زیر باران بدون هیچ چتر و سرپناهی با تنهایی هایم باشم!

نه همسفری را میخواهم که رفیق نیمه راهم شود ، نه هم نفسی را

میخواهم که روزی بی خیال من شود و نه لیلایی را میخواهم که

با من بی وفایی کند !

دیگر عشق را نمیخواهم ، و محال است که دوباره روزی با عشق

همسفر شوم!

دیگر عشق را قبول ندارم ، آن زمان که عشق برای من زیباترین کلام

و قشنگترین لحظه بود گذشت ، اینک من یک مرد تنهای زخم خورده و

دلشکسته ام!

کسی که دیگر در سینه اش قلبی ندارد تا کسی را دوست داشته باشد!

